

۱ دعا

سرگروه: دعا کنید و گروه خود و این دوره شاگردسازی را به حضور خدا بیاورید.

۲ پرستش(۲۰ دقیقه)
احترام گذاشتن به خدا

موضوع: پرستش به عنوان احترام گذاشتن به خدا

در این درس یاد خواهیم گرفت که با احترام گذاشتن به خدا پرستش خود را ابراز کنیم.

بخوانید: مکاشفه ۴: ۱ - ۱۱

یوحنا در یک رویا تختی را در آسمان دید که آنقدر عظیم و زیبا بود که با کلمات معمولی نمی‌توان آن را وصف کرد.

۱- تخـــت

یوحنا تختی را در آسمان می‌بیند (مکاشفه ۴: ۲). این زمین، خورشید یا یک صورت فلکی نیست که مرکز موجودات هستی را تشکیل می‌دهد، بلکه خداست بر تخت خود. هر آنچه که در جهان و یا بر جهان و یا

در طی کل تاریخ این جهان اتفاق افتاده است تحت تسلط حکمرانان یا قدرتمندان یا اغنیا یا افراد هوشمند یا رسانه‌های ارتباط جمعی یا متخصصین روی زمین نمی‌باشد. خدا بر تخت خود نشسته است و همه چیز را تحت تسلط دارد. همه چیز را خدا آفریده است، چون او خواسته است آنها را بیافریند (مکاشفه ۴: ۱۱). او شما را آفریده است چون می‌خواست که شما زندگی کنید (اشعیا ۴۳: ۷، کولسیان ۱: ۱۶). هیچ چیز نمی‌تواند از سلطه پر اقتدار خدا خارج شود (اشعیا ۱۴: ۲۴، ۲۷).

۲- تشعشع

یوحنا صورت خدا را شرح نمی‌دهد، اما درخشش های او را توضیح می‌دهد (مکاشفه ۴: ۳) آن نشسته بر تخت صورتش مانند یشم و عقیق است و قوس قزح گرداگرد تخت شبیه به زمرد است.

الف- سه رنگ

۱- یشم مانند بلور شفاف است (مکاشفه ۲۱: ۱۱). الماسی شفاف و سمبلی است از تشعشع جلال و تقدس خدا.

۲- عقیق قرمز است و سمبلی است از «زندگی» (جون) یا تشعشع ویژگی خدا است که خود را به صورت داوری ابراز می‌کند.

۳- قوس قزح شبیه زمرد، سبز دریایی است و سمبلی است از تشعشع ویژگی خدا که خود را به صورت وفاداری لاتغیر و نجات (پیدایش ۹: ۱۲ – ۱۷، حزقیال ۱: ۲۸) نشان می‌دهد.

ب- پیغام این سه رنگ

پیغام مکاشفه برای قوم خدا در دوران عهد جدید است. در جلال و ویژگی قدوسیت خدا (شفاف، رنگ شفاف)، خشم مقدس خدا در مقابل کسانی که شریر هستند (رنگ قرمز) و وفاداری پر از محبت او در نجات همه کسانی که به او اعتماد می‌کنند (رنگ سبز) جدایی‌ناپذیر هستند. برای قوم خدا یعنی ایمانداران به عیسای مسیح طوفان داوری خدا به پایان رسیده است. هیچ محکومیت یا لعنتی بر آنانی که در مسیح عیسی هستند نیست (رومیان ۸: ۱).

قوس قزح وعده پابرجای خدا نسبت به عادل شمردگی از طریق ایمان از طریق کار کامل نجات عیسای مسیح تا به ابد می‌درخشد (رومیان ۵: ۱). این سه جنبه از ویژگی خدا از تخت خدا می‌درخشد. خدا بر تخت خود با تقدسی پرجلال با داوری عادلانه و با کار وفادارانه نجات سلطنت می‌کند.

پ- برق‌ها و رعدها

از تخت برق‌ها و صداها و رعدها بر می‌آید (مکاشفه ۴: ۵). این پدیده طبیعت باعث ترس و وحشت مردم می‌شود. بیانگر عظمت و شکوه خداست هنگامی که او اراده خود را آشکار می‌کند و زمانی که او ده فرمـــــان را آشکـــار ساخت (خروج ۱۹: ۱۶، ۲۰: ۱۸)، در هنگام آشکار کردن فیض خود به ایوب (ایـــوب ۳۷: ۲ - ۷ ، ۱۳)، زمانی که تسلط پراقتدار خود را بر یوحنا آشکار ساخت (مکاشفه ۴: ۵) و زمانی که داوری عادلانه خود را آشکار ساخت (ایوب ۳۷: ۸ – ۱۳، مکاشفه ۸: ۵، ۱۱: ۱۹، ۱۶: ۱۸) اتفاق افتاد.

۳- تثلیـــــث

یوحنا پری روح‌القدس را دید که سمبل آن هفت چراغ آتشین است که پیش تخت افروخته است (مکاشفه ۴: ۵) و او عیسای مسیح را دید که سمبل آن بره‌ای است که در میان تخت چون ذبح شده ایستاده است (مکاشفه ۵: ۶). خدای واحد که خود را با سه شخصیت درونی متمایز می‌کند بر تخت آسمان نشسته است. او خود را به صورت خدای پدر که تصمیم می‌گیرد، به صورت خدای پسر که خدایی است که با طبیعتی انسانی در تاریخ انسان وارد شد تا تصمیم خدا را انجام دهد و همچنین به صورت روح‌القدس که در میان قوم خدا بر روی زمین ساکن می‌شود تا تصمیمات خدا را در زندگی آنها به کار برد، آشکار می‌کند (مکاشفه ۱: ۴ - ۵).

۴- چهار مخلوق زنده

یوحنا چهار مخلوق زنده را در اطراف تخت خدا می‌بیند (مکاشفه ۴: ۶ ، ۹). آنها موجودات آسمانی هستند که بیانگر هستی مخلوق با تمام موجودات زنده آن است. آفرینش صحنه تاریخ نجات خداست. وظیفه ۴ موجود زنده این است که به جلال خدا در حاکمیتش بر کل تاریخ یاری رسانند.

۵- ۲۴ پیر

یوحنا، ۲۴ پیر را دید که بر ۲۴ تخت دراطراف تخت خدا نشسته‌اند (مکاشفه ۴: ۴ ، ۲۱: ۱۲ - ۱۴). آنها یکی از بزرگترین مراتب فرشتگان در آسمان هستند که بیانگر قوم خدا در عهد عتیق (۱۲ قبیله) و قوم خدا در دوران عهد جدید (۱۲ رسول) هستند. مسؤولیت آنها آشکار کـــردن جلال خدا در کار نجات قوم او بر روی زمین است (عبرانیان ۱: ۱۴). نجات در درون این آفرینش تحقق می‌یابد. وظیفه ۲۴ پیر آن است که به جلال خدا در آفرینش یاری رسانند (مکاشفه ۱۱:۴).

۶- دریایی از شیشه

در عهد عتیق دریاچه برنجی، حوض آبی بود که میان مذبح قربانی‌های سوختنی و معبد قرار داشت. کاهنان عهد عتیق پیش از آنکه به معبد نزدیک شوند یا وارد آن گردند، دست‌ها و پاهای

خود را در آن می‌شستند (خروج ۱۸:۳۰- ۲۱، اول پادشاهان ۲۳:۷- ۲۶).

در عهد جدید (مکاشفه ۶:۴) دریایی از شیشه شفاف مانند بلور نماد خون مسیح است که مسیحیان در آن به طور نمادین رداهای خود را می‌شویند و آنها را سفید می‌کنند (۱۴:۷). بدین ترتیب دریای مزبور نماد نجات بجا و شفاف خدا از طریق مرگ و رستاخیز عیسای مسیح است که مردم به واسطه آن به او نزدیک می‌شوند و وارد اجتماع (معبد) عهد جدید می‌گردند. پس در مکاشفه ۶:۴الف شیشه شفاف همچون بلور نماد نجات خداست. سلطنت خدا برای مسیحیان منجر به نجات از همه ملت‌ها می‌شود تا آنان در آرامش و هماهنگی کامل با خدا در آسمان زندگی نمایند (رومیان ۱:۵). در عهد عتیق موسی و بنی اسرائیل پس از آنکه خدا فرعون و لشگرش را در دریای سرخ نابود نمود، کنار دریای سرخ ایستادند (خروج ۲۱:۱۳- ۲۲، ۱۹:۱۴و ۲۴). او لشگریان مصر را پریشان ساخته و به دریا ریخته بود. آب دریا (همچون یک سونامی) به طور ناگهانی بر سر دشمنانشان ریخته بود و آنان را پوشانده بود. حتی یکی از آنها زنده نماند.

در عهد جدید (مکاشفه ۲:۱۵- ۴) یوحنا چیزی دید که به دریایی از شیشه می‌مانست که با آتش درآمیخته شده باشد و در برابر تخت خدا کشیده شده بود. این نماد مکانی است که خدا داوری نهایی‌اش بر همه پیروان وحش را که قوم خدا در عهد جدید را مورد آزار قرار داده‌اند، در آنجا اعمال خواهد نمود. مردمان بی‌خدا و شریر جهان برای همیشه هلاک خواهند گردید و در دریای شیشه غرق خواهند گردید. بدین ترتیب، در مکاشفه ۲:۱۵- ۴ دریای شیشه آمیخته با آتش نماد داوری خداست. آتش نماد خشم مقدس و عادله خداست که به وسیله آن داوری نهایی خود را بر گناه اعمال خواهد نمود. شیشه نمادی است از اینکه خشم مقدس و عادله او به طور کامل شفاف و واضح انجام می‌گیرد. پس از آنکه خدا شریران و بی‌خدایان روی زمین را مورد داوری نهایی قرار داد، عدالت و قدوسیت او در داوری بدون خدشه باقی می‌ماند و بر همگان آشکار می‌گردد. هیچ چیز مخفی یا سؤال برانگیز نخواهد بود. «کارهای (داوری‌های) شریف تو اکنون آشکار شده است» (۴:۱۵) و همه آنها را می‌بینند و ناگزیرند به همه آنها اقرار نمایند. هیچ چیز بد یا ناپاک یارای ایستادگی در برابر خدا را نخواهد داشت (۸:۲۱ و ۲۷). همه چیز در برابر چشمان او عریان و آشکار است (عبرانیان ۱۳:۴).

۷- پرستش جهانی

یوحنا چهار مخلوق آسمانی را می‌بیند که دائما خدا را تحسین کرده و قدوسیت خدا را می‌ستایند (مکاشفه ۴: ۸) و او ۲۴ پیر را می‌بیند که در مقابل تخت خدا تعظیم می‌کنند تا او را پرستش، تحسین و ستایش کنند (مکاشفه ۴: ۱۰- ۱، ۵: ۱۱- ۱۴). هدف خدا در چشم انداز ابدی‌اش این است که همه کس و همه چیز در جهان روحانی و آفریده شده خدا را پرستش نمایند.

پرستش: به عنوان بخشی از جمعیت اطراف تخت خدا، بیایید خدا را با تحسین و ستایش سلطنت مقتدارنه‌اش بر هر چیز و هر فردی پرستش کنیم.

۳ در میان گذاشتن برکات(۲۰ دقیقه)

دوم سموئیل

به نوبت و به طور خلاصه برکات یکی از رازگاهان خود را از قسمت مشخص شده (دوم سموئیل ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۲) با دیگران **در میان بگذارید** (یا از روی یادداشت‌های رازگاهان آن روز **بخوانید**).

به کسی که برکاتش را بازگو می‌کند گوش دهید. به حرف‌هایش اهمیت دهید و او را بپذیرید، درمورد آنچه در میان می‌گذارد بحث نکنید.

۴ تعلیم (۷۰ دقیقه)

روابط: ارتباط بین والدین- فرزند

این مطالعه نتیجه اشتیاقی شدید برای این است که پدر، مادر یا فرزندی که خدا می‌خواهد، باشیم.

کاربردهای عملی فقط پیشنهاداتی هستند که شما می‌توانید با دعا و در فرهنگ خود بپذیرید.

الف- مسؤولیت‌های والدین نسبت به فرزندان

۱- مسؤولیت‌های والدین در ازدواج

بخوانید: افسسیان ۵: ۲۲- ۲۳، کولسیان ۳: ۱۸- ۱۹، یوحنا ۱۳: ۳۴- ۳۵

کشف و گفتگو کنید: خدا چه مسؤولیت‌هایی را به شوهران و همسران داده است؟

ملاحظات: شوهر و همسر بایستی بخصوص درشیوه برقراری ارتباط با یکدیگر نمونه باشند. آنها بایستی درمورد اختیاری که به شوهر داده شده تا به زنش همانگونه که مسیح محبت می‌کند، محبت کند و همسرش را تجلیل کند و نیز درمورد اختیار برابری که به زن داده شده تا به شوهرش کمک کند تا

بهترین برای مسیح باشد، توسط رابطه خود با یکدیگر به فرزند آموزش دهند. البته آنها بایستی در نحوه ارتباط با دیگران و منجمله فرزندانشان نیز نمونه باشند.

۲- مسؤولیت‌های پدر و مادر به عنوان والدین

بخوانید: افسسیان ۶: ۴، کولسیان ۳: ۲۱، اول تیموتاؤوس ۳: ۴- ۵، تیتوس ۱: ۶، تیتوس ۲: ۴- ۵

کشف و گفتگو کنید: مسؤولیت‌های خاصی که خدا به والدین بخشیده است؟

ملاحظات:

الف- پدران

- فرزندان خود را خشمگین یا ناراحت نکنید.
- ایشان را به تأدیب و نصیحت خداوند تربیت نمایید.
- خانواده خود را به خوبی اداره کنید.
- فرزندانتان را طوری تربیت کنید تا با احترام بجا و صحیح از شما و همسرتان اطاعت کنند.

ب- مادران

- فرزندانتان را دوست بدارید.
- در امورخانه مشغول باشید.
- اجازه ندهید که رفتار شما باعث شود دیگران نسبت به کلام خدا بدبین شوند.

ب- ای پدران فرزندان خود را به خشم میاورید.

تعلیم دهید: خدا با پدر به عنوان سرخانواده سخن می‌گوید. پس مادر بایستی به پدر در انجام این مسؤولیت کمک کند (پیدایش ۲: ۱۸).

الف- به خشم آوردن

به خشم آوردن؛ یعنی ناامید کردن. چگونه می‌توانید بفهمید که فرزند خود را به خشم آورده یا ناامید کرده‌اید؟ با دیدن عکس‌العملش نسبت به خودتان. برای مثال آنها تحریک‌پذیر، خشمگین یا افسرده‌اند، از والدین خود دوری می‌کنند یا آنها را ترک کرده‌اند. عکس‌العمل آنها بیانگر این است که شما بایستی شیوه رفتار خود با فرزندانتان را عوض کنید.



ب- احتـــرام

چگونه می‌توانید رابطه خود را با فرزندانتان تغییر دهید؟ به فرزندانتان اجازه دهید تا:

- زمان کافی برای رشد و تکامل داشته باشند و مرتکب اشتباه نیز بشوند.
- حس مسؤولیت و پاسخگویی آنها را رشد کند.
- در اعتقادات شخصی خود رشد کنند.
- در ارتباطات بالغانه رشد کنند.

۱- اجازه دهید که پسران و دختران شما مسؤولیت‌پذیر و پاسخگو رشد کنند.

الف- هدف والدین:

هــدف ما والدین فقط راضی کردن فرزندانمان نیست، بلکه این است که آنها بالغینی مسؤول بار بیایند.

گفتگو کنید: اگر هدف شما فقط راضی کردن بچه‌هاست آنها چگونه خواهند شد؟

ملاحظات: آنها لوس، خودخواه و بوالهوس خواهند شد.

ب- رشد مسؤولیت‌پذیری

گفتگو کنید: چگونه می‌توانید به فرزندانتان کمک کنید تا بالغینی مسؤولیت‌پذیر بار بیایند؟

ملاحظات: بالغین مسؤول می‌آموزند که مسؤول تمام قسمت‌های زندگی خود باشند. قسمت‌های مهمی که نیاز به آموزش مسؤولیت‌پذیری دارند عبارتند از: نگرش‌ها، سخنان و رفتار، تحصیلات یا شغل، وظایفشان در خانواده، نگهداری پول، تنها مسافرت کردن، برقرار کردن دوستی، مواجه شدن با فشارها و رو به رو شدن با عقاید دیگران و رابطه شخصی با خدا.

پ- مراحل رشد مسؤولیت‌پذیری و پاسخگویی

تعلیم دهید: شیوه شما از دوران بچگی تا بزرگسالی می‌تواند پنج مرحله داشته باشد:

- وقتی کودک هستند. هرکاری را برایشان انجام دهید. تمام تصمیمات و انتخابات را شما برای کودکتان انجام می‌دهید و آنها را برای او اجرا می‌کنید. به عنوان والدین، نسبت به آنچه برای او انجام می‌دهید صد درصد در برابر خدا مسؤول و پاسخگو هستید.
- وقتی بچه‌های کوچک هستند. در انجام کارها با آنها همراهی نمایید. فرصت‌های زیادی را به وجود بیاورید تا کارهایی را به اتفاق فرزند خود انجام دهید . تا آنجایی که امکان دارد حقایق، ارزشها، عادات و مهارت‌های زیادی را به فرزند خود تعلیم و آموزش دهید. در روش انجام کارها برای فرزند خود نمونه باشید معیارهای کیفی وضع کنید و همینطور ارزش‌های عادلانه، اخلاقی و روحانی ای را تعیین کنید که او قادر است از آنها پیروی کند. به فرزندانتان نشان بدهید که

شما زندگی‌تان را تسلیم خدا و کلام او کرده‌اید وشما خودتان نیز در برابر خدا مسؤول و پاسخگو هستید.

- وقتی نوجوان هستند. اجازه دهید که نوجوانان بیشتر و بیشتر کارهایی را به تنهایی اما تحت نظارت شما انجام دهند. به همکاری و همراهی با ایشان ادامه دهید، اما در تمام قسمت‌هایی که نوجوان قادر است مسؤولیت بپذیرد به او وظایفی را محول کنید و از او بخواهید که نسبت به مسؤولیت‌هایش پاسخگو باشد. آزادی بیشتر برای یک نوجوان به این مفهوم است که به او مسؤولیت‌های بیشتری سپرده شده و او بیشتر پاسخگو خواهد بود. آزادی به این مفهوم نیست که نوجوان هرکاری که دوست دارد بکند بدون اینکه نسبت به کسی پاسخگو باشد (تثنیه ۱۲: ۸، داوران ۲۱- ۲۵). فرصت‌های زیادی را به وجود آورید که در آنها نوجوان تصمیم بگیرد و برنامه‌ریزی کند و تحت نظارت شما چیزهایی را بگوید و انجام دهد. به عنوان والدین باز هم تصمیم‌گیری نهایی را شما انجام می‌دهید پس نهایتا مسؤولیت به عهده شماست و شما پاسخگو هستید.

- وقتی جوان هستند. اجازه دهید که جوانان هرکاری را خودشان انجام دهند. مسؤولیت و پاسخگویی نهایی را به جوان بالغ خود بسپارید. مطمئن شوید که جوان مسؤولیت‌هایش را درک کرده و حالا در برابر آنچه می‌گوید و انجام می‌دهد صد درصد مسؤول و پاسخگوست. در وهله نخست نسبت به شما به عنوان والدینش که هنوز در خانه شما است و در تحلیل نهایی در برابر خدا.

- وقتی بزرگسال هستند. اجازه دهید که بزرگسالان استقلال کامل خود را داشته باشند. وقتی بچه‌ها دیگر «بچه» نیستند و به سن بزرگسالی رسیده‌اند، یا خانه والدین را برای ادامه تحصیل یا کار ترک می‌کنند، یا ازدواج می‌کنند و بایستی خانه والدین را ترک کنند، والدین بایستی اجازه دهند آنها کاملا از دوران بچگی خارج شوند و والدین نیز بایستی کاملا به آنها استقلال عمل بدهند (متی ۱۹: ۵). بزرگسالان حالا فقط در برابر خدا صد درصد مسؤول و پاسخگو هستند. آن مسؤولیت والدین که باز هم ادامه پیدا می‌کند محبت کردن فرزندان بالغ است و نه تسلط و اقتدار بر آنها. مسؤولیتی که باز هم ادامه پیدا می‌کند محبت و کمک کردن به فرزندان بالغ، دعا کردن برای آنها، نصیحت کردن آنها در مواقعی است که خود آنها آن را می‌طلبند و هشدار به آنها در مواقع خطر واقعی است.

۲- اجازه دهید که پسران و دختران شما در اعتقادات شخصی‌شان، رشد کنند.

الف- هدف والدین

هدف شما والدین این نیست که به بچه‌ها اجازه دهید به سمت اعتقاداتتان کشیده شوند، بلکه آنها را تشویق کنید تا اعتقادات، ایمان، ارزشها و اولویت‌های خود را رشد دهند.

ب- رشد اعتقادات شخصی

گفتگو کنید: چگونه می‌توان به بچه‌ها کمک کرد تا اعتقادات خود را رشد دهند؟

ملاحظات: تا زمانی که والدین توقع دارند که بچه‌ها به صورت مطلق از اعتقادات، ایمان، ارزشها و اولویت‌های آنها اطاعت کنند هرگز بچه‌ها تبدیل به بالغینی مسؤول نخواهند شد که دارای اعتقادات، ایمان، ارزشها و اولویت‌های شخصی و شیوه‌هایی برای انجام کارهایش باشد.

پ- قدم‌های رشد اعتقادات شخصی

تعلیم دهید: شیوه شما برای کمک به رشد یک اعتقاد خاص در فرزندانتان می‌تواند سه مرحله داشته باشد.

- همراه با آنها حقیقتی را از کتاب مقدس کشف کنید. اصول کتاب مقدسی برای تعیین محدودیت‌های هر تصمیمی که ایماندار می‌گیرد.
- اجازه دهید که خودش کاربرد آن حقیقت را انتخاب کند. در حالی که اصول کتاب مقدس هرگز تغییر نمی‌کنند. کاربردهای امکان‌پذیر بسیاری برای یک حقیقت وجود دارد.
- نتایج تصمیمشان را با آنها مورد گفتگو قرار دهید. برای مثال در ارتباط با لباس پوشیدن نوجوانان، کتاب مقدس دو اصل را تعلیم می‌دهد. لباس پوشیدن بایستی همیشه از نظر اخلاقی پذیرفته شده (افسسیان ۵: ۵) و از نظر فرهنگی مناسب شرایط باشد (اول قرنتیان ۱۰: ۳۱-۳۳). در این محدوده اخلاقی و فرهنگی نوجوانان حق انتخاب آزادانه دارند و آنها خودشان انتخاب می‌کنند یا تصمیم می‌گیرند. والدین نتایج انتخاب و تأثیر آن را بر سایرین و همچنین تأثیری که برخود آنها خواهد گذاشت را مورد گفتگو قرار می‌دهند.

۳- اجازه دهید که پسران و دختران شما احساسات و روابط بالغانه برقرار کنند.

الف- هدف والدین

هدف ما به عنوان والدین ایجاد یک رابطه ملایم با فرزندانمان نیست، بلکه یک رابطه بالغانه است. هدف ما به عنوان والدین فقط ایجاد استقلال نیست، بلکه وابستگی سالم به یکدیگر است! در حالی که فرهنگ غربی فردگرایی را ترویج می‌کند، کتاب مقدس محبت متقابل را تعلیم می‌دهد!

ویژگی‌های یک ارتباط بالغانه این است که هر شخص کاملا مسؤول سخنان و اعمال خود باشد، هر شخص براساس اعتقادات شخصی خود زندگی کند و آنها را ابراز نماید و اینکه هر شخص احـــساسات خود را صادقانه بیان کند و هر دو شخص نسبت به یکدیگر وابستگی سالم (یعنی محبت به یکدیگر) داشته باشند.

ب- رشد احساسات بالغانه

گفتگو کنید: چطور می‌توانیم به نوجوانان خود کمک کنیم تا احساسات خود را صادقانه و به صورت بالغانه ابراز کنند؟

ملاحظات: نوجوانان دارای احساسات قوی هستند و آنها را نیز ابراز می‌کنند. والدین اغلب ابراز احساسات قوی را نمی‌پسندند احساساتی مانند خشم، تحریک عصبی، فریاد زدن، جنگیدن، گریه کردن وغیره و سعی می‌کنند که آنها را در فرزندانشان مهار کنند. نوجوانان واقعا تلاش می‌کنند بـــگویند: «من این هستم» ، «احساسات واقعی من این است»، «من را آنطور که واقعا هستم بپذیرید.» نوجوانان معمولا به دنبال روابط صادقانه هستند در حالی که والدین معمولا روابط ملایم می‌خواهند. به هر حال اگر احساسات نوجوان دائما مهار شود ممکن است آنها را به صورت انواع مختلفی از رفتارهای ضد اجتماعی خود را ابراز کنند مثل دروغ گفتن، مرتکب جرم شدن، درگیر شدن با مواد مخدر، تجاوز و مسایل جنسی یا انواع مختلف مشکلات احساسی مثل افسردگی، انزوا، خشم پنهان، تلخی و نگرش‌های منفی. پس به فرزندان خود اجازه دهید که احساسات خود را ابراز کنند، اما کمکشان کنید که آنها را به شیوه‌ای صادقانه، محبت‌آمیز و با پرهیزگاری بیان کنند.

پ- رشد روابط بالغانه

گفتگو کنید: چگونه می‌توانید به جوانان کمک کنید تا رابــطه‌ای براساس وابستگی سالم برقرار کنند؟

ملاحظات: کتاب مقدس هر ایماندار را در یک خانواده خاص، یک جماعت خاص و در یک اجتماع خاص قرار می‌دهد. نظریه جهانی کتاب مقدس شامل افراد به صورت جداگانه نمی شود و اینکه هر کس راه خود را برود، بلکه افراد در خانواده‌ها، اعضای جماعت‌ها و شهروندان جوامع مطرح می شوند. نظریه جهانی کتاب مقدس این است که همه ما به یکدیگر نیاز داریم و نسبت به هم مسؤولیت‌هایی خاص برای انجام دادن داریم. برای مثال: والدین و فرزندانشان بایستی همدیگر را تشویق کنند که کارهایی را با هم انجام دهند، نسبت به همدیگر شفاف و بی‌آلایش باشند از یکدیگر یاد بگیرند و همدیگر را خدمت کنند.

ت- مثال‌هایی از ارتباطات ناسالم.

- بعضی مادرها سعی می‌کنند که بچه‌هایشان را وابسته به خود نگه دارند.
- بعضی از بچه‌های بالغ نمی‌توانند خود را از سلطه و تسلط والدین خود آزاد سازند.
- بعضی مردها به جای نامزد دنبال یک مادر هستند.
- بعضی زنان سعی می‌کنند که برای نامزد ضعیف خود پرستاری دلسوز باشند.
- همجنس‌بازی رابطه ای است که براساس کتاب مقدس از روابط وابسته ممنوع به شمار می‌آید.

پ- ای پدران، فرزندان خود را به نصیحت و تأدیب خداوند تربیت نماییـــــد.

تعلیم دهید: دوست داشتن مادر بچه و تربیت بچه دو وظیفه عمده هر پدری است.

- «تربیت به نصیحت خداوند» یعنی تعلیم حقایق کتاب مقدس به فرزندتان.
- «تربیت فرزند به تأدیب خداوند» یعنی یاد دادن اطاعت از حقایق کتاب مقدس به فرزندتان. مادران نیز بایستی در انجام این مسؤولیت به پدران کمک کنند (پیدایش: ۲: ۱۸).

۱- فرزندانتان را طوری تربیت کنید که شهروندان خوبی برای این دنیا باشند.

بخوانید: امثال ۲۲: ۶، امثال ۱۳: ۲۴، امثال ۱۷: ۲۱ و ۲۳: ۲۴، لوقا ۲: ۵۲، اول قرنتیان ۱۳: ۴ - ۸

کشف و گفتگو کنید: مهمترین بخشی که والدین بایستی به فرزندان خود بیاموزند چیست؟

ملاحظات: طفل را در طریقی که خدا می‌خواهد، تربیت نما. خانواده‌های سالم، مصالح ساختمانی یک ملت سالم هستند.

الف- مفهوم تربیت

در تمام موارد بالا تربیت یعنی:

- به آنها یاد بدهید که حقایق را به اجرا بگذارند.
- آنها را دوباره و دوباره تشویق کنید.
- در صورت لزوم به آنها نظم بدهید یا تنبیه کنید.

ب- محدوده‌های تربیت

آنها را تربیت کنید بخصوص:

- به سمت بلوغ عقلی، جسمی، روانی و اجتماعی
- در اینکه حکیم باشند.
- در اینکه محبت داشته باشند («محبت» به معنی این است که صبر، مهربانی، تواضع، فروتنی، رفتار خوب، خدمت فداکارانه، پرهیزگاری و بخشش را بیاموزند).

۲- فرزندانتان را طوری تربیت کنید تا شهروندان خوب ملکوت خدا باشند.

بخوانید: امثال ۱۴: ۲۶ و ۲۰: ۷، تثنیه ۶: ۴ - ۹

کشف و گفتگو کنید:

- اهمیت نمونه‌ای که والدین به جا می‌گذارند چیست؟
- اهمیت کتاب مقدس در تربیت چیست؟

ت- مسؤولیت‌های فرزندان نسبت به والدینشان

مسؤولیت‌های بچه‌ها نسبت به والدینشان چیست؟ بچه‌ها بایستی بدانند که والدینشان گرچه کامل نیستند، ولی بسیار باارزش هستند. والدین عاشق بچه‌هایشان هستند و به همکاری بچه‌هایشان نیاز دارند تا بتوانند والدین خوبی بشوند.
بخوانید: افسسیان ۶: ۱- ۳، کولسیان ۳: ۲۰، امثال ۲۳: ۲۲- ۲۵

کشف و گفتگو کنید: وظایف خاصی که خدا به فرزندان داده است چیست؟

ملاحظات: دو مسؤولیت مهم وجود دارد که به عنوان بزرگترین هدایا می‌توانید به والدین خود بدهید: اطاعت، وقتی هنوز جوان هستید و احترام، وقتی بزرگسال می باشید.

ث- ای فرزندان، والدین خود را در خداوند اطاعت نمایید.

تعلیم دهید: سه حقیقت مهم در ارتباط با اطاعت از والدین:

۱- در هر چیز که خلاف کتاب مقدس نیست، از والدین خود اطاعت کنید.

بخوانید: متی ۱۰: ۳۷، مرقس ۷: ۱- ۱۳، اعمال رسولان ۴: ۱۹- ۲۰، ۵: ۲۹، اول قرنتیان ۹: ۱۹– ۲۳

گفتگو کنید: در چه شرایطی بایستی خداوند عیسای مسیح را بیشتر از والدین خود دوست داشته باشید؟ و در چه شرایطی می‌توانید والدینتان را خشنود کنید؟

ملاحظات: اگر والدینتان از شما می‌خواهند که کاری را که در نظر خدا اشتباه است انجام دهید و به دلیل ایمان به مسیح از طرف خانواده‌تان در جفا هستید و آنها انتظار دارند شما مسیح را انکار کنید یا انتظار دارند با یک غیرمسیحی ازدواج کنید پس بایستی به آرامی از اطاعت از آنها خودداری کنید. اگر خانواده‌تان از شما انتظار دارند که از آداب و رسوم خانوادگی‌ای پیروی کنید که مخالف کتاب مقدس می‌باشند پس به آرامی از آن رسوم اجتناب کنید. به هر حال بعضی آداب و رسوم و قوانین خانوادگی‌ای که خانواده شما آنها را پیروی می‌کنند مخالف کتاب مقدس نمی‌باشند. پیروی از این چیزها قطعا احترام به والدینتان است.

۲- **تا زمانی که یک بچه (زیر سن قانونی) هستید، از والدینتان اطاعت کنید**.

بخوانید: لوقا ۲: ۵۱، مرقس ۳: ۲۰ - ۲۱، ۳۱ - ۳۵

کشف و گفتگو کنید: عیسی تا چه وقت از والدین خود اطاعت کرد؟

ملاحظات: کتاب مقدس تعلیم نمی‌دهد که شخص بایستی در سرتاسر عمرش از والدین خود اطاعت کند، بلکه فقط از وقتی که کودک (زیر سن قانونی) است و تا سن بزرگسالی. بزرگسالی هنگامی شروع می‌شود که او خانه والدین خود را ترک کند یا وقتی که دیگر وابسته به والدین خود نیست و یا ازدواج می‌کند. پس اطاعت از والدین دارای محدوده زمانی است و تا زمانی که شخص تبدیل به بزرگسالی بالغ شود، ادامه می‌یابد. با این حال، احترام گذاشتن به والدین دارای محدودیت زمانی نمی‌باشد.

۳- به والدین خود احترام بگذارید، چون شما یک مسیحی هستید.

«والدین خود را در خداوند اطاعت کنید» به این معنی نیست که فقط وقتی بایستی از والدینتان اطاعت کنید که آنها مسیحی باشند، بلکه شما بایستی از آنها اطاعت کنید چون شما مسیحی هستید.

ج- فرزندان، پدر و مادر خود را احتـــرام نمایید.

تعلیم دهید: «احترام گذاشتن» یعنی توجه زیاد، نشان دادن توجه و محبت کردن بدون اکراه و بـــدون انگیـــزه‌های خودخواهانه یا ترس. مثال‌های زیر به ارتباط تمام مردم جهان بـــه والدینشان، ارتباط با والدین همسرانشان و به ارتباط آنها با خدا به عنوان پدر آسمانی اختصاص داده شده است.

گفتگو کنید: درمورد پنج راه زیر درباره احترام گذاشتن به والدینتان، والدین همسرتان و به مفهومی بالاتر پدر آسمانی‌تان گفتگو کنید.

۱- با بحث نکردن با والدینتان، بدیشان احترام بگذارید.

وقتی با والدینتان بر سر چیزهایی که واقعا اهمیت روحانی ندارند بحث می‌کنید، به ایشان بی‌احترامی می‌کنید. برای مثال، بر سر اینکه پوشیدن کدام لباس مناسب است، کدام برنامه تلویزیونی را باید تماشا کرد یا اینکه چه کسی باید کارهای روزمره خانواده را انجام دهد، بحث نکنید. بحث کردن با والدین موجب می‌شود که آنها احساس کنند نقطه نظرشان مسخره است.

چگونه می‌توانید به روشی مثبت به والدینتان احترام بگذارید؟ نظر خود را با لحنی ملایم عنوان نمایید و سپس بگذارید خدا به هر شیوه‌ای که بیش از همه مورد پسندش می‌باشد دست به کار شود. با این روش نشان می‌دهید که ایمان دارید که خدا هر شرایطی را تحت کنترل دارد و قادر به انجام آن کاری که برایتان بهترین است، می‌باشد.

۲- با جدی گرفتن پیشنهادها و نصایح والدینتان، بدیشان احترام بگذارید.

وقتی پیشنهادها و نصایح والدین خود را بدون هیچ بررسی و تأملی رد می‌کنید، بدیشان بی‌احترامی کرده‌اید.

وقتی همیشه از موضع خودتان دفاع کنید و کاری کنید که احساس کنند نقطه نظراتشان حتی ارزش فکر کردن هم ندارد، به آنها بی‌احترامی کرده‌اید.

چگونه می‌توانید به روشی مثبت به والدینتان احترام بگذارید؟ هرگاه والدینتان پیشنهاد یا نصیحتی ارایه می‌دهند، از ایشان بیاموزید. در حالی که هنوز فرصت دارید، از تجارب سالیان و حکمت اندوخته ایشان درس بگیرید. به ویژه از نقاط قوت آنها، از استعدادها، مهارت‌ها، دانش و فنشان بهره بگیرید. برخی از والدین در زمینه طراحی و هماهنگ کردن، کسب و کار و پس‌انداز پول، پختن غذا و باغبانی توانایی‌هایی دارند.

دیگر والدین در زمینه‌های رهبری، تعلیم، مشاوره و خدمت توانایی دارند. با درخواست پند و نصیحت کردن و آموختن از ایشان، بدان‌ها احترام بگذارید.

۳- با داخل کردن والدینتان در زندگی واقعی خود، بدیشان احترام بگذارید.

وقتی به والدینتان اجازه نمی‌دهید که به افکار، احساسات و فعالیت‌هایتان پی ببرند، بدیشان بی‌احترامی کی‌کنید. وقتی نمی‌گذارید والدینتان بدانند چه نقشه‌ای در سر دارید یا فرصتی برای تأثیرگذاری بر نقشه‌هایتان به آنها نمی‌دهید، به آنها بی‌احترامی کرده‌اید. وقتی والدین خود را از سهیم شدن در سرگرمی‌ها یا دردهایتان، در شادی‌ها و غم‌هایتان محروم می‌کنید، به آنان بی‌احترامی می‌کنید. بریدن پای والدین از زندگی واقعی و تصمیمات یکی از راه‌هایی است که به آنها می‌فهماند ارزش آن را ندارند که در این امور دخیل گردند!

چگونه می‌توانید به روشی مثبت به والدینتان احترام بگذارید؟ با والدینتان ارتباط برقرار نمایید. این کار گاهی دشوار است، اما هنوز یکی از بهترین راه‌های احترام گذاردن به والدین محسوب می‌شود. برای صحبت کردن با آنها پیشقدم شوید. درباره فعالیت‌هایتان با آنان گفتگو نمایید: کارهایی که در مدرسه یا محل کار می‌کنید، کارهایی که با دوستانتان و یا در جماعتتان انجام می‌دهید. درباره باورهایتان با آنها صحبت کنید: درباره خدا، مردم و جهان. درباره اعتقادات مسیحی خود با آنها حرف بزنید.

درباره افکار، احساسات و نقشه‌هایتان با آنها حرف یزنید. با درگیر کردن آنها در نقشه‌ها و تصمیم‌هایتان هم می‌توانید به آنها احترام بگذارید. برای تجربه و حکمت والدین خویش حرمت قائل شوید و از آنها مشورت بخواهید. حتی اگر تصمیم نهایی‌تان مخالف میل آنها باشد، این احساس را بدیشان القا کنید که به حرف‌هایشان گوش داده‌اید و نظراتشان را جدی گرفته‌اید.

با درگیر کردن والدین خود در مراحل اولیه، این فرصت را دارید تا ایشان را درمورد برنامه‌ها و افکارتان هفته به هفته به‌روز کنید. پس در صورت لزوم می‌توانند به آرامی با تصمیمات نهایی شما خود را تطبیق دهند و دیگر تصمیم شما برای‌شان شوک نخواهد بود.

۴- <u>با خدمت کردن به والدینتان و دیگران، بدیشان احترام بگذارید.</u>



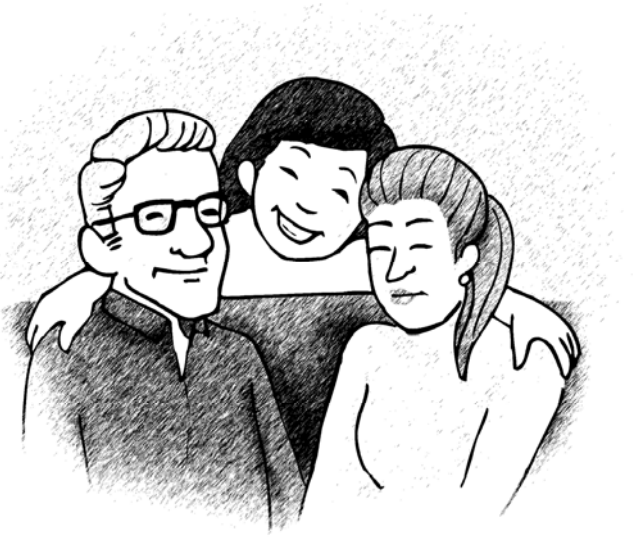
وقتی تنها زمانی که والدینتان از شما چیزی درخواست می‌کنند، خدمتشان می‌کنید و نیز وقتی از روی اکراه بدیشان خدمت می‌کنید، به آنها بی‌احترامی نموده‌اید. شما انتظار دارید آنها قدم اول را پیش گذاشته درخواستی نمایند. اگر از شما چیزی نخواهند، شما هم کاری نمی‌کنید. هرگز به دنبال یافتن چیزی

نیستید تا کاملا داوطلبانه انجامش دهید. از به کار گرفتن جوانی و قدرت خود برای کمک به بلند کردن بار سنگین زندگی والدین خود خودداری می‌نمایید.

چگونه می‌توانید به روشی مثبت به والدینتان احترام بگذارید؟ خودتان را طوری پرورش دهید که ببینید در کجا می‌توانید خدمتی انجام دهید، کجا کسی به کمکتان نیاز دارد، کاری که شما می‌توانید انجام دهید، اما هیچ کس دیگر نمی‌خواهد یا نمی‌تواند انجامش دهد. خودتان پیشقدم شوید و خدمت و کمک نمایید و منتظر نمانید تا والدینتان از شما درخواست کمک نمایند.

رفتارتان نمونه باشد. در خانه، روابط خویش را با والدین و برادران و خواهران خویش بهبود و ارتقا دهید. بدون اینکه از شما خواسته باشند در کارهای روزمره خانه به دیگران کمک کنید. در بیرون از خانه، وظیفه‌شناس و مسؤول باشید. در خواندن درسها یا انجام کارهایتان سختکوش باشید. پشتکار داشته باشید. نوع دوستانی که با ایشان ارتباط دارید، نوع مکان‌هایی که بدان‌ها رفت و آمد می‌نمایید و نوع چیزهایی که انجامشان را نادیده می‌گیرید، بر ایجاد احساسی که والدینتان از خودشان پیدا می‌کنند، تأثیری شگرف می‌گذارد.

۵- <u>با محبت کردن به والدینتان، بدیشان احترام بگذارید.</u>



وقتی تنها به شیوه‌هایی که مقتضیات فرهنگی ایجاب می‌کند (نظیر رفتن به دیدارشان، خریدن هدیه برایشان و انجام خواسته‌هایشان)، به والدینتان ابراز محبت می‌نمایید، بدیشان بی‌احترامی کرده‌اید. همچنین وقتی وظایف فرزندی خود را بنا به مقتضیات فرهنگی و با رویکردی بد و با بی‌تفاوتی انجام می‌دهید به والدینتان بی‌احترامی کرده‌اید. وقتی از انجام کاری خاص یا خارج از عرف معمول برای ابراز غیر مستقیم قدرشناسی از آنها خودداری می‌کنید، به والدین خود بی احترامی می‌کنید. وقتی هرگز به آنها نمی‌گویید که مورد تحسین و حرمت شما هستند و یا اینکه از همه کارهایی که در گذشته برایشان انجام داده‌اند سپاسگزار هستید، باز به آنها بی‌احترامی کرده‌اید. وقتی نصبت به کوتاهی‌های ایشان از خود بیتابی نشان می‌دهید و نسبت به خطاهایشان از خود رفتاری به دور از نزاکت بروز می‌دهید، به والدین خود بی‌احترامی کرده‌اید. وقتی هرگز اشتباهاتی را که در حق شما مرتکب شده‌اند نمی‌بخشید و پیوسته هم از دستشان عصبانی هستید و پی راهی می‌گردید تا تلافی کنید، به آنها بی‌احترامی می‌کنید. همه این کارها به والدینتان می‌گویند که شما آنان را دوست ندارید.

بی‌احترامی کردن به والدین عمیقا به آنها آسیب می‌زند. با راههای بی‌احترام کردن والدینتان که در بالا به آنها اشاره شد به پدر و مادرتان می‌گویید که شما آنها را لایق احترام نمی‌دانید. این راه‌ها بخصوص اگر آنها مسیحی نباشند مؤثر است. چون این راه‌ها به آنها چنین می گوید که «چون شما مسیحی نیستید عقایدتان دیگر برای ما مسیحیان ارزشی ندارد» یا «چون شما مسیحی نیستید دیگر نمی‌توانم شما را دوست داشته باشم.» وقتی پسر یا دختری به سوی مسیح باز می‌گردد بسیاری از والدین بی‌ایمان انتظار دارند یا می‌ترسند که ارتباط خود را با آنها از دست بدهند. هر عملی که عاری از محبت باشد فقط احساس طردشدگی و شکست را در آنها تقویت می‌کند. عکس‌العمل آنها ممکن است غیرمنطقی باشد، اما اغلب به طریقی است که والدین ممکن است خود آن مسایل را در زندگی شخصی خود تجربه کرده اند.

چگونه می‌توانید به روشی مثبت به والدینتان احترام بگذارید؟

محبت واقعی مسیحی بسیار فراتر از مقتضیات فرهنگی انجام وظایف فرزندی است! محبت اصیل مسیحی نسبت به کوتاهی‌های آنان بردبار است و خطاهایی که در حقتان نمرتکب شده‌اند را می‌بخشد. سعی کنید والدین خود را درک نمایید. بفهمید که آنها در چه شرایطی و زیر دست چه والدینی پرورش یافته‌اند و متوجه مشکلات و بحران‌هایی که در زندگی پشت سر گذاشته‌اند و رابطه‌ای که با پدر و مادر و سایر

اعضای خانواده خود دارند، باشید. ارزش‌های آنها را درک کنید، به ویژه در ارتباط با پول و شیوه زندگی، تحصیلات و موقعیت، راستگویی و شرافت و غیره. قوانین، رسوم و باورهای دینی ایشان را که بر افکار، احساسات و رفتار ایشان تأثیر دارد، درک کنید. متوجه باشید که آنان در شرایط گوناگون، مانند کشمکش‌های زناشویی، انضباط فرزندان، فشار کاری، غم از دست دادن کسی یا چیزی، بی‌عدالتی که دیگران در حقشان روا داشته‌اند و غیره، چه واکنش‌هایی از خود بروز می‌نمایند. مخصوصا متوجه تصورات غلط و ترس‌های آنان به ویژه در رابطه با خودتان و پس از آنکه مسیحی شده‌اید، باشید.

وقتی مسیحی می‌شوید، عموما والدین می‌ترسند که تسلیمتان به عیسای مسیح بر شما تأثیی منفی بگذارد. می‌ترسند که در درس‌هایتان ضعیفتر شوید، نتوانید شغل خوبی پیدا کنید، در زندگیتان موفق نباشید و پول کمتری دربیاورید و خلاصه نتوانید والدین خود را از لحاظ مالی حمایت کنید. می‌ترسند فرهنگ خود را از دست بدهید و دینشان باعث ننگ شما شود. در کمال نزاکت ایمان مسیحی را برایشان تشریح نمایید و بدیشان ثابت کنید که به واسطه کاری که عیسای مسیح برای‌تان انجام داده، شخص مسؤول‌تر و پرمحبت‌تری شده‌اید.

۵ دعا (۸ دقیقه)
دعای در پاسخ به کلام

به نوبت در تمام گروه یا درحالی که به گروه‌های دو یا سه نفری تقسیم شده‌اید با دعاهای کوتاه، حقایقی را که امروز یاد گرفته‌اید به حضور خدا بیاورید.

۶ تکلیف منزل (۲ دقیقه)
برای درس بعد

سر گروه: (رونوشت این تکلیف را بین اعضای گروه پخش کنید و یا آن را بخوانید تا همه آن را در دفتر یادداشت خود بنویسند.)

۱- تعهد- متعهد باشید به اینکه شاگردان بسازید. درس «ارتباطات والدین– فرزند» را برای یکدیگر، برای شخصی دیگر یا برای گروه‌های مردم موعظه کنید، تعلیم دهید یا بررسی کنید.

۲- رازگاهان- هر روز نیمی از یک فصل را از نحمیا ۴، ۸، ۹، ۱۰ بخوانید. از روش حقیقت محبوب استفاده کنید و یادداشت بردارید.

۳- بررسی کتاب مقدس- درس بعدی بررسی کتاب مقدس را در خانه آماده کنید. از روش ۵ قدم بررسی کتاب مقدس استفاده کنید و یادداشت بردارید. افسسیان ۶: ۱۰ – ۲۰. موضوع: نبرد روحانی در دنیا.

۴- دعا- در این هفته برای یک شخص یا موضوعی خاص دعا کنید و شاهد کار خدا در آن مورد باشید. (مزمور ۵: ۳).

۵- آموخته‌های جدید درمورد شاگردسازی را وارد دفتر (یا پوشه) خود کنید. از تمام یادداشت‌های خود درمورد پرستش، رازگاهان، یادداشت‌های تعلیمی و این تکلیف منزل یک دفتر (یا پوشه) درست کنید.